

## چهار هزار سال در چند مقاله

- ۷ -

در شماره قبل دنباله سخن ما ببحث در باب تشکیل دولت اشکانی و حدود ممالک اشکانیان و خصائص نژادی آنان و چگونگی ملوک الطوائف اشکانی و تاثیر خاطرات این ملوک الطوائف در تاریخ داستانی و پهلوانی ایران کشیده بود. در این شماره بذکر مابقی مطالب خود در باب این سلسله مبادرت میورزیم :

شاهان اشکانی بیست و نه تن بوده اند و در فهرستهای که از روی تواریخ رومی و ارمنی و پهلوی و سکه های اشکانی ترتیب یافته تا کنون عده کامل این سلاطین و شرح حوادث دوره آنان روشن گردیده است اما چون جانشینان حکومت اشکانی یعنی ساسانیان نسبت به این سلسله کینه توز بودند حتی المقدور از ذکر نام آنان جلو گیری میکردند و بهمین سبب در فهرستهای که از کتب پهلوی به کتب فارسی و عربی نقل شده تنها نام عده معدودی از سلاطین اشکانی باقی مانده است مثلاً طبری در یک فهرست نام یازده تن را آورده است و در فهرستی دیگر نام سیزده تن و در فهرستی دیگر نام ده تن و فردوسی نام ده تن و مسعودی در مروج الذهب نام نه تن و در التنبیه و الاشراف نام یازده تن را آورده اند و ابوریحان بیرونی در الآثار الباقیه پنج فهرست ذکر کرده و در آنها سلاطین اشکانی را از یازده تا ۱۸ تن آورده و تعالی در کتاب غبور اخبار ملوک الفرس عده سلاطین اشکانی را ده تن دانسته است و این فهرستها همگی دلیل نقص تاریخ سلسله اشکانی در متون پهلوی دوره ساسانی است .

پادشاهان اشکانی که نخستین آنان آرشک معروف به اشک اول و آخرین آنان اشک بیست و نهم ( بنابر بعضی از فهرستها اشک بیست و هشتم ) اردوان پنجم است در طول سلطنت ممتد خود بر ایران خدمات بزرگی نسبت باین کشور انجام دادند . مهمترین و اولین خدمت این سلسله بزرگ بایران رهانیدن آن از شر استیلا ی یونانیان و تجدید استقلال و عظمت ایران بوده است. در این باب

باید از ذکر این نکته غفلت نورزید که اگر اشکانیان و قبایل پارت، در آن روزگار باین امر خطیر اقدام نمیکردند تحصیل استقلال برای ایرانیان دشوار بود زیرا قبایل پارت در آن هنگام نیرومندترین و قویترین و تازه نفس ترین اقوام ایرانی بودند که هنوز بلای تن پروری و تجمل در میان آنان نفوذ و رخنه ای نیافته بود و قیام این قوم شجاع را در آن هنگام فی الحقیقه باید بعنوان ادای يك فریضه بزرگ ملی و نژادی تعبیر کرد.

دومین خدمت اشکانیان مبارزه آناست بارو میان و متوقف ساختن فتوحات ایشان در مشرق. چنانکه میدانیم امپراطوری روم پس از تحکیم موقع خود در اروپا و شمال افریقا بآسیا دست انداخت. نخستین مواجهه این امپراطوری قوی در آسیا بامهرداد ششم پادشاه زورمند و جنگاور پنت (۱) که از سال ۱۲۰ قبل از میلاد بر تخت سلطنت پنت نشسته بود، صورت گرفت و اگر چه این مرد شجاع و مدبر چندین سال چون سدی نیرومند در برابر سیل هجوم رومیان مقاومت کرد لیکن آخر کار بر اثر عصیان پسر خود و ایجاد اختلافات داخلی ناگزیر شد جمله حرم خویش را نابود کند و سپس بغلام خود فرمان دهد که ویرا بقتل رساند تا از تنگ تسلیم شدن برومیان برکنار ماند. پس از مرگ مهرداد ششم مانع بزرگی در برابر رومیان برای رسیدن بایران نبود زیرا دولت ارمنستان در این هنگام بر اثر حملاتی که از جانب فرهاد سوم اشکانی و پمپه سردار بزرگ رومی و مهرداد ششم بآن شد ضعیف گردیده بود و قدرت مقاومت نداشت و اگر در ایران نیز دولتی قوی بر سر کار نبود تسلط سپاهیان شجاع و جنگجوی رومی بر این سرزمین مسلم و حتمی بنظر میرسید اما شهرت سپاهیان پارت و تدابیر آنان در جنگها دولت روم را مرعوب کرده بود چنانکه پومپه سردار دولت روم و فاتح آسیای صغیر و ارمنستان چون بسرحداث دولت اشکانی رسید اجازه حمله به امپراطوری پارت را نیافت و خود نیز جرأت چنین اقدام خطرناکی را نکرد اما جانشین پومپه یعنی کراسوس، که بحکمرانی آسیای صغیر و شام و سایر مقتضیات دولت روم در آسیا انتخاب شده بود برعکس پومپه فتح ایران و هند

۱- پنت مملکت کوچکی در آسیای صغیر بود بین طرابوزان و باطوم کنونی. منتهی حد وسعت مستملکات این دولت در عهد مهرداد ششم پادشاه شجاع آن بود. نسب این پادشاه از جانب پدر به سلاطین هخامنشی میرسید و از جانب مادر بسلاطین سلوکی.

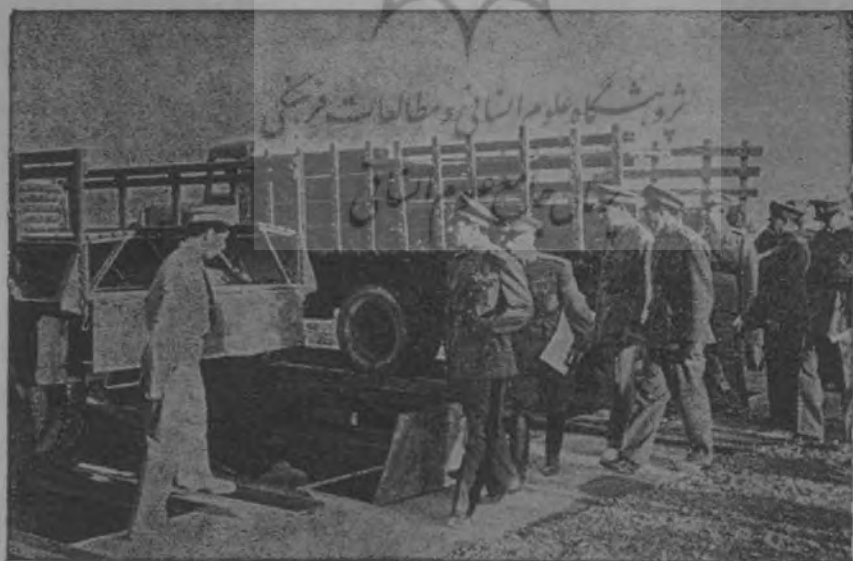
را جزء نقشه خویش قرارداد و بایران تاخت لیکن در جنگ بزرگی که میان او و سورن<sup>(۱)</sup> سردار بزرگ ار داو ل اشك سیزدهم (۵۷-۳۷ ق. م) در نزدیکی حران<sup>(۲)</sup> در گرفت او و پسرش فابیوس بقتل رسیدند و بیست هزار تن از بهترین سربازان رومی کشته و قریب بهست هزار تن دیگر از آنان اسیر شدند و تنها در حدود دو هزار تن از این سپاه عظیم توانست از معرکه جان بدر برد بدین ترتیب بزرگترین ضربت که تا آنوقت برای دولت فاتح روم نظیری نداشت بر آن وارد آمد و معلوم شد که حدود فتوحات روم در مشرق باید بسرحداث ممالک اشکانی متوقف ماند و اگر چه دولت روم از این پس تا پایان حکومت ساسانی همواره با دولت اشکانی و ساسانی در فرود بود ولی هیچگاه توفیقی که بسقوط حکومتهای ملی ایران منجر شود، حاصل نکرد و بدین ترتیب ایران از خطر بسیار بزرگی که از مغرب او را تهدید می کرد رهائی یافت.

سومین خدمت بزرگ اشکانیان بایران، دفاع سخت آنانست در برابر حملات سکاها و قبایل زرد پوست که جافشین سکاها شده و بجانب ایران تاخته بودند. چنانکه میدانیم سکاها یکی از اقوام هند و اروپائی بودند که مدتها، از عهد سلطنت ماد تا قسمتی از دوره اشکانی، همواره بایران می تاختند لیکن هیچگاه جز در مدت کوتاهی از دوره حکومت ماد موفقیتی نداشتند و آخر کار نیز بر اثر دفاعهای سختی که در برابر مهاجمان آنان صورت می گرفت ناگزیر مسیر هجوم خود را تغییر دادند و از اراضی شمالی بحر خزر گذشته به شمال بحر سیاه و قسمتی از سواحل غربی آن توجه کردند.

گویا علت عمده تغییر جهت مهاجمات این قبایل فشار شدیدی بود که از جانب قبایل زرد پوست آسیای مرکزی بآنان صورت گرفته بود. این قبایل زرد پوست در قسمت بزرگی از دوره اشکانی و در تمام دوره ساسانی از مزاحمین

۱- این اسم را عموم مورخان رومی که شرح جنگ کراسوس را با دولت اشکانی داده اند برای سردار ایرانی آورده اند ولی حقیقت امر آنستکه سورن نام کسی نیست بلکه عنوانی است برای روسای یکی از قبایل پارتی که مانند قبیله دیگر (کارن) در جزء بزرگترین و متنفذترین قبایل پارتی بودند.

۲- حران از شهرهای مهم شمال بین النهرین میان اورفه (ارس) و رأس العین که اکنون نیز بصورت قریه بی اهمیتی باقیست.



دو منظره از بازدید اداره باربری ارتش

بیزر  
ایز  
قبا  
آغ  
بیمه  
بود  
تسم  
بود  
ایر  
المهم  
ش  
یتد  
از  
ش  
اش  
ج  
را  
وآ  
دین  
خو  
بک  
در  
سر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بزرگ ایران بوده ولی هیچگاه در آرزوی خود بورود در سرزمینهای حاصلخیز ایرانی کامیابی نداشته‌اند و تنها پس از آنکه دولت اسلامی سدنژادی را از پیش پای قبایل زردپوست مذکور برداشت نفوذ آنان بطرق مختلف در داخله فلات ایران آغاز شد و بتدریج کار قدرت آنان بجائی کشید که از اواخر قرن چهارم هجری ببعده یعنی پس از زوال دولت سامانی تامدت مدیدی حکومت ایران در دست آنان بود. بنابراین اشکانیان در تمام دوره ممتد فرمانروائی خویش عهده دار ادامه و دفاع استقلال و تمامیت ارضی و مدنیت ایران بوده‌اند و اگر چه تامدتی از دوره تسلط آنان بعضی از آثار زبان و تمدن یونانی که بازمانده دوره تسلط یونانیان بود در ایران وجود داشت لیکن اندک اندک این آثار از میان رفت و تمدن خالص ایرانی برجای ماند.

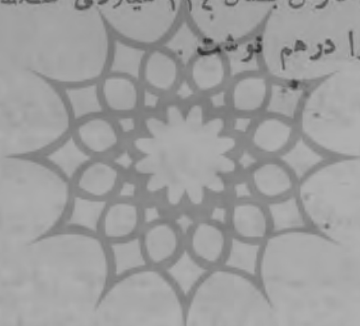
زبان رسمی ایران در این دوره بنا بر آنچه از مدارک و اسناد مختلف بر میآید الهجه عمومی بارت بود که اکنون در اصطلاح دانشمندان ایرانشناس به پهلوی شمالی معروف است و خطی که در این عهد متداول بود عبارتست از خط آرامی که بتدریج تغییراتی در آن راه یافت و آنرا نیز خط پهلوی مینامند. اما بنا بر آنچه از بقایای آثار معدود دوره اشکانی فهمیده میشود تمدن ایرانی در این دوره نه شکوه و جلال دوره هخامنشی را داشته‌است و نه کمال و پختگی عهد ساسانی را و اشکانیان از لحاظ خدمات تاریخی بمراتب بپیش از خدمات مدنی اهمیت دارند. اما علل ضعف و انحطاط دولت اشکانی را باید از اواسط قرن اول میلادی جستجو کرد بدین معنی که شاهان اشکانی بر اثر ارتباط با رومیان و مخصوصاً راه دادن کنیزکان و زنان متمعیش رومی در دربار خویش باعث شدند که عادات و آداب رومیان و همان تجمل بی منتهای ایشان در دربارها راه یابد و از طرف دیگر از همین اوان ببعده بسیاری از شاهزادگان اشکانی قسمتی از ایام جوانی خود را بجای آنکه مانند پارتیان قدیم بر پشت اسبان و در میدانهای جنگ بگذرانند در مراکز عیش و عشرت روم بگذرانیدند و مردمی تن پرور ببار آمدند.

از طرف دیگر اختلافات داخلی حتی در میان پدران و پسران و برادران در اواخر دوره اشکانی شروع شده و کار این اختلاف بجائی کشیده بود که معمولاً سران حکومت اشکانی بجای تقویت یکدیگر و تحکیم بنیان حکومت بتحریک

مخالفین بر ضد شاهنشاه مشغول بودند. دولت روم نیز همواره از این اختلافات استفاده میکرد و آنرا فوزی عظیم برای خود میدانست.

بی‌اعتنائی برخی از سلاطین اشکانی بدین عمومی ایرانیان و رعایت آزادی ادیان نیز معمولا باعث عدم رضایت بعضی از طبقات از حکومت اشکانی گردید و همه این علل و اسباب علی‌الخصوص سرگرمی متمادی شاهنشاهان اشکانی به رفع اختلافات داخلی و کشمکشهای خانوادگی باعث شد که برخی از دشمنان داخلی آنان که منتهز فرصت بودند زمینه را برای سقوط حکومت آنان و ایجاد قدرت خویش مهیا کنند و از این میان یک جوان شجاع و مدبر از خاندان حکومتی غیر اشکانی فارس که به خاندان «فراتاکار» معروفست، بنام اردشیر پاپکان ظهور کرد و بسرعت آخرین پادشاه اشکانی یعنی اردوان پنجم را در هرمزدگان فارس بسال ۲۲۴ میلادی شکست داد و بقتل رسانید و بساط حکومت اشکانی را درهم نوشت.

فنا تمام



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

